

نذر آزادی

روایتی از پویش های مختلفی که با مهرورزی مردم، سبب بازگشت زندانیان مالی به آغوش خانواده هایشان می شوند



کزارش روز

فهرست

معمومه فرمانی بی

نه سابقه دارند، نه جرم خطرناک. فقط یک چک، یک ضمانت و یک اتفاق ناخواسته همه چیز را به هم ریخت و مردان این خانواده ها از سفره هایشان جدا ماندند و کودکانی که چشم به راه آمدن پدر هستند و همسرانی که باز زندگی را تنهایی بر دوش می کشند و... همین حالا وقت باری است. سال ۱۳۶۹ که ستاد دیه کشور برای کمک به زندانیان جرائم غیر عمد راه اندازی شد تا با همراهی مردم، زمینه آزادی زندانیانی را فراهم آورد، کسی فکرش را نمی کرد که مردم ایران با همدلی و همراهی خود در طول چهار دهه فعالیت این ستاد، هزاران زندانی غیر عمد را به خانه هایشان راهی کنند. آن ها که حسب یک اتفاق و حادثه، عزلت نشینی در زندان، قسمتشان شده است و چشم به راهند تا یکی این در را باز کند. «ستاد رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند» یکی از مجموعه هایی است که در تمام این سال ها بی سرو صدا، گره از کار زندانیان باز کرده است. مردم غالباً این مجموعه را متولی رهایی در زندان بد حکار می شناسند، نه بزه کار. خیلی ها به این سنت معنوی اعتقاد دارند و نمی خواهند کسی فقط به خاطر نیاز مندی در زندان بماند. پویش های مختلف از همین جاذبه را گرفته است و ادامه دارد. البته جشن های گلریزان هر سال به بهانه های مختلف، برگزار می شود اما به نظر می رسد ماه میهمانی خدا بهترین بهانه برای نیکوکاری است. سال هاست ماه مبارک رمضان را فصل گلریزان برای آزادی زندانیان می دانند و هر سال تعداد کسانی که به این منظور قدم به میدان می گذارند، افزایش می یابد، حتی در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی. رهبر شهیدمان همیشه در صف اول ایستاده بودند و چراغ گلریزان را در این ماه روشن می کردند. امسال هم به روال گذشته، در اولین روزهای ماه مبارک و در آستانه سی و نهمین جشن گلریزان ستاد دیه، ۵ میلیارد تومان را به آن اختصاص دادند اما جنگ نا جوانمردانه و شهادت ایشان، همه معادله ها را به هم ریخت؛ گلریزان در مشهد برگزار نشد. اما شهرستان ها گذاشتند ماه میهمانی خدا همین طور تمام شود. باید پرونده این ماه با آزادی افراد در بند و نیازمند، بسته می شد. غصه هایی را برای رهایی زندانیان برگزار کردند.

هدیه ماندگار

آزادی. ان شاء... به یاری مردم، همه آن ها آزاد شوند و برگردند به کانون خانواده. «این ها را جواد غفاریان طوسی، مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند خراسان رضوی، می گوید و ادامه می دهد: ما از همه ظرفیت های استانی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی برای مشارکت در این جریان استفاده کردیم. پویش های «خیر ماندگار» و «هدیه ماندگار»، اهدایی های مردمی را شامل می شود که یا برای یادبود درگذشتگانشان

صد اوسیما و رسانه ها هر سال از تریبونی که دارند، برای افزایش کمک ها تلاش می کنند؛ به این ها اضافه کنید جمعیت مسجدی ها و حتی دانش آموزان مدرسه را که از بزرگ تر هایشان یاد گرفته اند پس انداز قلک هایشان را برای این کار خیر بگذارند. البته خیلی های دیگر هم پای کار آمدند؛ بازاریان مشهد، هیئات مذهبی، ادارت، سازمان ها و مؤسسات خیریه. «۱۶۰۰ نفر در استان زندانی مالی هستند و چشم انتظار

مشق اتفاق در مدرسه

بین خودم و خودت بماند. به این ها اضافه کنید روایت معلم ها و دانش آموزانی که سال های پیش با خودشان قرار گذاشتند به عشق حضرت علی(ع)، شهید محراب رمضان، در این امر خیر خواهانه مشارکت داشته باشند. کادر آموزشی مدرسه پسرانه «شیخ الاسلامی» از مدت ها قبل این تصمیم را گرفته بودند که به صورت عملی تمرین

تجربه زندان از یادم نمی رود

و نیکوکاران است. البته به قول خودش، حلقه اتصالی است بین خیران و این مجموعه. زندگی اش روایت عجیبی دارد. یک دوچرخه سوار حرفه ای که یک جریان، سرنوشتش را تغییر می دهد و می افتد زندان. البته نه خیلی طولانی، فقط ۹ روز و چند ساعت، ولی این قدر سخت و تلخ بوده که حساب لحظه لحظه اش را دارد. تعریف می کند: برای کسانی که در بند و حبس هستند و دریچه دنیایشان به بیرون، هر روز از روز قبل کوچک تر می شود و منتظرند دوستی، رفیقی و آشنایی برود سراغشان و بپرسد «خوبی؟ کجایی؟» حتی یک احوال پرسی ساده می تواند نجات بخش باشد، چه برسد به آنکه قدمی برای آزادی شان برداری. حالا او خوب می داند که تعداد زیادی از شهروندان

ستاد رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند از همیشه شلوغ تر است. جشن های گلریزان هر سال به بهانه های مختلف برگزار می شود. اما غالب برنامه ریزی ها برای ماه مبارک رمضان است. اولین روزهای ماه مبارک، فرصتی برای دیدار و هم کلامی با برویچه های ستاد دست می دهد. حکما به خاطر سرشلوغی های این روزهاست که متولیان آن، خیلی فرصت پاسخگویی ندارند. کار همیشگی شان است که پرونده های زندانیان مالی را بررسی کنند و حلقه واسط بین آن ها و آدم هایی باشند که دست خیرشان همیشه گره گشایده است. زنان و مادران برای آزادی، همیشه در اولویت هستند.

برکت ارث مادری

همراه جعفر مظلومی، زنی است که سوگوار مادر مرحومش است. از همان زمانی که مادر این دنیا چشم بسته، به این فکر کرده است که چطور می تواند دین فرزندی را ادا کند. اتفاقی با آقای مظلومی آشنا شده است و می خواهد ارثی را که از مادر رسیده است، صرف زندانیان بد حکار کند. چند روزی وقتش را برای این گذاشته است که بیاید

دفتر ستاد دیه تا از چند و چون پرونده ها مطلع شود. فعالان ستاد چند پرونده را معرفی می کنند و توضیحات لازم را می دهند. در همان حال سبک و سنگین کردن اطلاعات، سلام و احوال پرسی کوتاهی می کنیم و می رویم سراغ اصل مطلب که محور روایت ماست. زن تمایلی به معرفی خود ندارد و می خندد و حرفش را با گفتن عبارتی خلاصه می کند: «بازنشسته فرهنگی

پویش های ماندگار

می کند: «می گفتند سعی کنید چیزهایی که در ماه مبارک رمضان به دست می آورید، تا رمضان سال بعد حفظ کنید.» ادامه می هد: حالا عرفا منظورشان درجات عرفانی و معنوی است که خیلی در راسته کاری ما نیست. ما همین که نماز صبحمان قضا نشود، به عنوان بهترین دستاورد داریم. مدت هاست به این فکر می کنم که بخشی از مالم را برای خودم کنار بگذارم، برای آن زمانی که کسی دستگیرم نیست. به نظرم این بهترین کاری است که می توانم انجام دهم؛ اینکه سرپرست خانواده ای برگردد سر زندگی اش.

این روایت ها نشان می دهد که آدم های حسرت برانگیز فقط در دنیای سریال و فیلم نیستند و هنوز هم بی شمار در جامعه حضور دارند؛ آن هایی که به معنای تمام کلمه، انسان هستند. همدلی و انسجام اجتماعی، جریانی است که خیلی ها پیگیر آن هستند.

پویش «مشهد مهربان» هم جریانی است که عمری پنج ساله دارد و با همکاری شورای اجتماعی محلات اجرا می شود. مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، در توضیح آن می گوید: هدف ما مشارکت های مردم و حضور شهروندان است که اما راهای به دست آمده نشان می دهد خوشبختانه استقبال خیلی خوبی از این پویش شده است. جنگ همه معادله ها را به هم ریخت و گلریزان ماه مبارک را، اما هنوز مرد های زیادی از خانواده ها هستند که جایشان، پای سفره ها خالی است و برگشتن آن ها به آغوش خانواده هایشان، یک «یاعلی» شما را می خواهد، پس همین حالا بسیم... بگویید، شاید فردایی نباشد.

از این دست آدم ها زیاد هستند که با شرکت در پویش «خیر ماندگار» به یادبود پدران و مادران درگذشته شان شرکت می کنند. خانواده محمدی به نیت امیرحسین، پسر جوانشان، مقدمات آزادی دو زندانی را جفت و جور کردند. آن یکی می خواهد داغ از دست دادن زن جوانش را با آزادی یک زندانی، کمی تسلی بخشد؛ چند نفر نام های پدر و مادر مرحومشان را می دهند به مسئولان ستاد تا هر زمان، هر کسی با دیدن آن ها، فاتحه ای برای عزیز از دست رفته شان بفرستد.

اصلا این هم نباشد، کمک کردن یک حال وصف نشدنی دارد و ته دل آدم را آرام می کند؛ شبیه یک نوشیدنی گرم علاقه مندی شان را برای سهم داشتن در این خیرخواهی جمعی ثابت کرد. مدیر و آموزگاران مصمم تر شدند که اگر عمری بود، این کار در سال های بعد هم تکرار شود و این عادت خوب را بین بچه ها جا بیندازند و فرهنگ سازی کنند.

به خاطر رقم های ریزودرشت در بند هستند؛ از زندانیان مهریه تا بد حکاران مالی و چک که ما می توانیم در رهایی شان سهیم باشیم، حتی با مبالغ خرد و ناچیز. مظلومی تأکید می کند: مهم، مقدار اندازه کمک هایی که می شود، نیست. اصل، این است که خدا با همین کارهای کوچک، به ما امیدوار می شود و دوستان دارد. من برق شادی آزادی را در چشم های زیادی دیده ام.

او نمی داند گفتن اینکه تا به حال واسطه آزادی ۴۴ زندانی بوده است، حمل بر تعریف می شود یا نه، اما می گوید: این کار کرده ام تا انگیزه ای برای دیگران به باشد.